



چگونه در شب قدر حالمان نیکو شود

در میان همین خاک‌نشینانی چند که در این دار دنیا افتادند، کسانی هستند که در وقت نیایش، دعا و تضرع، آنقدر تضرع و فقر می‌ورزند و التماس می‌کنند و عبودیت می‌کنند که عالم عوض می‌شود و همانی می‌شود که امام صادق(ع) فرمودند.

در میان همین خاک‌نشینانی چند که در این دار دنیا افتادند، کسانی هستند که در وقت نیایش، دعا و تضرع، آنقدر تضرع و فقر می‌ورزند و التماس می‌کنند و عبودیت می‌کنند که عالم عوض می‌شود و همانی می‌شود که امام صادق(ع) فرمودند.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در لیالی قدر دو مطلب محل بحث است: قدر و بداء. لیالی قدر وقتی از جانب حق ملاحظه شود، لیالی اندازه‌گیری و تقدیر عالم است.

«تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»

جمع امور در این شب‌ها از بالا به صورت تنظیم شده نزد قطب عالم و مهبط ملائکه یعنی امام معصوم (ع) نازل می‌شود. ملائکه و روح - که خلق اعظم از جبرئیل است - به امام نازل شده و تقدیرات را عرضه می‌کنند. از سوی دیگر هم چه بسا در این لیالی بتوان با التماس، درخواست، تقاضا و سوز و گداز، تقدیرات را عوض کرد.

امام معصوم (ع) دعا می‌کردند:

«إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا»

«خدایا، اگر در ام‌الکتاب شقی هستم، من را سعید قرار بده».

این شب‌ها شب این دعاهاست. خدا یک سر، کار را این دنیا قرار داده است. اهل حکمت مثل مرحوم صدرالمتألهین بحث‌های فراوانی در مورد اثرات دعا کرده‌اند. ایشان اقوال بزرگان اهل حکمت را بیان می‌کند که دعای ما چه اثری دارد؟ چون هر اثری هست از بالاست و همه چیز از جانب خداست. جهت فاعلیت عالم خداست و باید او همه چیز را برای ما پیش آورد و پیش می‌آورد. پس دعای ما اینجا چه اثری دارد؟ بعد ایشان چند قول در این مورد بیان می‌کند.

یکی از اقوال این است که درست است دعای ما ملکوت یا فوق ملکوت عالم را نمی‌تواند تحت تأثیر قرار بدهد و در دعا داریم که «لَا يَبْرُمُهُ إِلَّا الْحَاجُّ الْمَلْحِينُ»؛ یعنی ای خدایی که اصرار اصرارکنندگان تو را مجبور نمی‌کند و مثل تأثیر بعضی از بندگان در بعضی دیگر نیست. گاهی گدایی در منزل می‌آید و انسان می‌خواهد به دلیلی چیزی ندهد. اصرار می‌کند و با اصرار او انسان یا خسته می‌شود یا دلش می‌سوزد و کمکی می‌کند. بالاخره چیزی در دل انسان اثر می‌گذارد. در بین خلق این گونه است و انسان تأثیر می‌پذیرد. اما آیا عالم پایین در عالم بالا که عالم الوهیت است، تأثیری می‌گذارد؟ حرف سر این است.

مسلماً در منتهای عالم، یعنی در ذات خدا اثر نمی‌گذارد. یعنی این طور نیست که انسان با ابرام، الحاح و اصرار بر خدا اثر کند. یعنی مثلاً نعوذ بالله، خدا حالش تغییر کند یا دلش بسوزد اینها کفر است. عالم خلق هیچ تأثیری در عالم الوهیت، آن هم عالم الوهیت اعلی نمی‌گذارد.

تأثیر دعا در تغییر قابلیت انسان

پس خدا مثل خلق با اصرار به تنگ نمی‌آید. پس اصرار ما کجا اثر می‌گذارد؟ چند نظر در این مورد هست: یکی اینکه می‌گویند اصرار، التماس و درخواست ما جنبه قابلیت ما را تغییر می‌دهد، یعنی روی کاسه گدایی ما را به سوی بارش فیوضات الهی برمی‌گرداند؛ «يَا دَائِمُ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِّيَّةِ»، خدایا، تو همیشه مرحمت خود را بر خلق می‌ریزی ولی کسی گیرنده نیست، با این اصرار ما فقط خودمان را آماده می‌کنیم و الا فیوضات الهی دائماً بی‌حد و حصر می‌بارد و ما با دعا کردن یا ظرفمان را از اغیار خالی می‌کنیم یا توجه به غیر را کم می‌کنیم.

ممکن است ظرف انسان واژگون باشد و در دل واژگون باران رحمت جمع نمی‌شود. یا ممکن است ظرف وارونه نباشد ولی داخل آن از اشغال پر باشد مثلاً ظرفی که یک مترمکعب آب می‌گیرد، اگر نیم مترمکعب سنگ و چیزهای دیگر در آن باشد، قهراً نیم مترمکعب کمتر آب می‌گیرد، در حدیث قدسی خداوند تبارک و تعالی به همین حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«یابن آدم بقدر محبتک بغیری اخرج محبتی من قلبک»

«ای پسر آدم، به اندازه محبتت به غیر من، محبت مرا از دلت بیرون کن».

به قدر توجهت به غیر من، توجه به من را از دلت بیرون کن و توجه به من قهراً از دلت بیرون می‌رود. همانطور که در مادیات این گونه است که هر ظرفی به اندازه‌ای مشخص، ظرفیت دارد و اگر ظرفیت آن را از شیئی پر کردند دیگر بیشتر از آن جا نمی‌گیرد. دل ما هم در اثر توجه به غیر این گونه شده است؛ یعنی پر از اغیار و آشغال شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»؛ این ظرف دل از آن ظرف‌ها نیست که بتواند چند تا باشد. هر کسی یک دل، یک روح و یک جان دارد. خداوند می‌فرماید: ما برای انسان، دو قلب در درونش قرار نداده‌ایم که اگر مثلاً در یک دلش توجه به غیر بود، در آن یکی دلش توجه به خدا باشد.

قهراً توجه به غیر، خدا را از دل بیرون می‌کند و این حالات دعا، التماس، خواهش، تضرع و.. اغیار را از دل بیرون می‌کند و ظرف دل را به سوی خدا می‌کند، ظرف دل که به سوی خدا شد حتماً فیوضات الهی در آن می‌ریزد.

تأثیر دعا در عوامل ملکوت بر اثر اصرار

قول دیگر این است که درست است که انسان پایین است و ملائکه که مجریان عالم هستند، بالا هستند و فهمیدیم که ذات الهی هم تحت تأثیر واقع نمی‌شود اما عوامل ملکوت بر اثر اصرار تحت تأثیر واقع می‌شوند. آن ملائکه که مجریان امور هستند، خودشان اختیار فراوانی دارند. البته این اختیار به صورت تفویض نیست.

این گونه نیست که خدا امور را به صورت تفویض واگذار کرده باشد، همان طوری که علمای یهود می‌گفتند که خدا امور را به مجریان واگذار کرده و به آنها اختیار تامه داده است که آنها هر کاری می‌خواهند بکنند. نه! این گونه نیست. مجریان امور عالم که ملائکه باشند، اختیار دارند ولی تفویض نیست، اختیار است و خیلی از امور بستگی به خودشان دارد. وقتی که می‌بینند یک بنده‌ای این گونه التماس می‌کند، تحت تأثیر التماس‌های انسان قرار می‌گیرند. پس خدا تحت تأثیر واقع نمی‌شود ولی ملکوت را تحت تأثیر قرار می‌دهد یعنی ملائکه به حالش دل می‌سوزانند.

تأثیر دعا بر درک فقر وجودی و ظهور جنبه الهی

قول سومی هم هست که مرحوم علامه طباطبایی (ره) هم این قول را قبول دارند، برطبق این نظر، افراد دو گروه هستند که بستگی به دعاکننده دارد. یکی دعا می‌کند و ظرف وجودی او توجه عالم بالا را جلب می‌کند، یعنی خدایا تا الان غافل بودم و حالا می‌فهمم و ملکوت عالم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی ملائکه به حالش ترحم می‌کنند. مثلاً یک عبد صالحی است که با ملائکه سنخیت دارد و ملائکه دشمن او نیستند - چون ملائکه دشمن دشمنان خدا هستند - و دعایش اجابت می‌شود.

اما گروه دوم که مهم این گروه هستند، گرچه خاک‌نشینانی چند و از همه پایین‌تر هستند - چون دنیا پست‌ترین عوالم است و اهلش هم قهراً پایین‌ترین‌ها هستند - اما در میان همین خاک‌نشینانی چند که در این دار دنیا افتادند، کسانی هستند که در وقت نیایش، دعا و تضرع، آنقدر تضرع و فقر می‌ورزند و التماس می‌کنند و عبودیت می‌کنند که عالم عوض می‌شود و همانی می‌شود که امام صادق (ع) فرمودند: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرٌ كَثُفَهَا الرُّبُوبِيَّةُ» یعنی درست است که انسان فقیر است اما در اثر التماس و تضرع حالش عوض می‌شود. چون هر انسانی دو بُعد دارد. تمام شمایهایی که اینجا نشست‌اید دو بُعد دارید ولی متأسفانه اکثر قریب به اتفاق بنی‌آدم یک بُعدشان را به دست فراموشی سپرده‌اند و آن بُعد الهی است که:

«وَلِكُلٍّ وَجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا».

«هر کسی وجهه الهی دارد که گرداننده آن وجهه خدا است».

در اثر التماس، تضرع و توجه به فقر و بیچارگی، ناگاه جنبه انسان عوض می‌شود، آن وجهه ظهور پیدا می‌کند و از جنبه فقر، فلاکت و پستی به جنبه غنا و رفعت می‌افتد. اکثر انسان‌ها نتوانستند از آن جنبه خود استفاده کنند.